

ساختار اداری و نحوه اداره آستان قدس رضوی در عصر پهلوی

شهناز شعبانی پور

گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

عباس احمدوند

دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران

سینا فروزش

استادیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مجله علمی پژوهشی تاریخ- شماره ۵۸- پاییز ۹۹- صفحه ۱۵۸-۱۲۷

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۷/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۹/۱۱

چکیده

آستان قدس رضوی، در تمام ادوار تاریخ خود، همواره کانون توجه واقفانی بوده است که بخشی یا تمام دارایی خود را وقف آن کرده‌اند. از دوره صفوی به بعد برای اداره امور موقوفات آستان قدس، فردی به نام متولی، از سوی حکومت مرکزی، انتخاب و به مشهد اعزام می‌شد. در دوره پهلوی، حکومت برای نظارت بیشتر بر این نهاد ثروتمند، خود تولید آنجا را برعهده گرفت و نایب‌التولیه‌هایی را منصوب کرد. موقوفات در بیشتر سلسله‌ها تابع سیاست‌های حکومت مرکزی بود و در رژیم پهلوی نیز این روند ادامه داشت. وضعیت تولیت و نظام اداری آستان قدس در دوره پهلوی تحولات فراوانی یافت و با توجه به برخی اقدامات مغایر با مذهب، از سوی حکومت پهلوی، تغییراتی در روند موقوفات اتفاق افتاد. بعد از آنکه رابطه دو نهاد دین و دولت به تیرگی گرائید، ملاک‌هایی چون سیادت و روحانی بودن که پیش از این در انتخاب متولی مد نظر قرار می‌گرفت، ارزش خود را از دست داد و ملاحظات سیاسی جایگزین آن شد. روش تحقیق در این مقاله، روش تاریخی (استقرائی) و شیوه نگارش و تدوین آن به صورت توصیفی- تحلیلی می‌باشد. استخراج اطلاعات و داده‌ها نیز به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی صورت گرفته است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد زمینه‌شناسی تاریخی و نیز با تکیه بر برخی اسناد نویافته، به واکاوی ساختار اداری و نحوه اداره آستان قدس رضوی، در عصر پهلوی، می‌پردازد.

کلید واژگان: آستان قدس رضوی، تولیت، پهلوی، روحانیت، ساختار اداری

وقف یکی از شایع‌ترین و ماندگارترین اعمال خیری است که در میان جوامع و ملل مختلف به صورت‌های گوناگون و متناسب با فرهنگ و اعتقادات آنان مورد توجه و عنایت بوده و هست؛ چنان‌که از دیرباز در میان متولیان و صاحبان ثروت این موضوع به جد مورد توجه قرار گرفته؛ به‌ویژه در میان مسلمانان معتقد به مبانی دینی رونق بسیار داشته است. (پویا، ۱۳۸۹: ۱۶) تبیین نهاد وقف به‌عنوان شخصیتی حقوقی از جمله ابتکارهای فقهای اسلام است. (ریاحی‌سامانی، ۱۳۷۸: ۴۷)

مقبره امام رضا(ع)، موسوم به آستان قدس رضوی، از زمان حکومت صفوی‌ها به این سو مهم‌ترین مرکز زیارتی در ایران بوده است. طی چندین قرن، صدها هزار مسلمان از سراسر ایران حتی شیعیانی از هند، پاکستان و عراق کنونی، طبق سنت، بخشی از ثروت خود را برای آستان به ارث گذاشته‌اند تا صرف نگهداری مقبره و امور خیریه مربوط به آن شود. بدین ترتیب، اموال وقفی متعلق به مرقد امام رضا(ع) به بزرگ‌ترین موقوفه در ایران تبدیل شد. زائران، علاوه بر املاکی که طی قرن‌ها به آستان تعلق یافته است، هنگام زیارت، مبالغی پول نیز به آن اعطاء می‌کنند. (اورکاد، ۱۳۸۲: ۱)

از چگونگی سرپرستی و اداره مرقد امام رضا (ع) در بدو امر اطلاعات دقیقی در دست نیست. اما در سده‌های بعد با گرد آمدن عده‌ای از سادات در پیرامون مرقد جدشان، شاخص‌ترین آنها که از سادات علوی یا رضوی بوده‌اند و معمولاً به‌عنوان نقیب مشهد انتخاب می‌شدند، تصدی امور آستانه را نیز برعهده می‌گرفته‌اند. (احتشام‌کاوایان، ۱۳۵۵: ۴۰۹) از دوره صفویان که تشکیلات اداری آستان قدس شکل می‌گیرد، اگرچه شاه صفوی تولید اصلی این مجموعه را برعهده داشت، ولی به دلایل مختلف نظیر بُعد مسافت، جنگ‌های خارجی، شورش‌های داخلی و...، شخصی را به‌عنوان متولی برای رسیدگی به امور آستان تعیین می‌کرده و در حقیقت، خود به شکل غیرمستقیم بر این مجموعه نظارت می‌کرده است. این متولیان عمدتاً دارای قدرت و نفوذ فوق‌العاده بودند، به‌نحوی که حتی به دستور شاه، گماشتگان صدور نیز از دخالت در امور آنها منع گردید بودند. (سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره اموالی ۳۳۳۸۰/۲) در دوره صفویه تصدی و تولید امور رضویه از نقباء انتزاع و به درباریان شاهی واگذار شد. (مؤمن، ۱۳۴۸: ۲۲۶) برای اولین بار شاه تهماسب ضمن تفکیک موقوفات پیشین آستانه از موقوفات سلطنتی برای اداره این موقوفات به ترتیب، متولیان با عنوان سنتی و واجبی انتخاب کرد. (ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۴۹) از قرن دهم هجری تا پایان عصر سلطنت شاهنشاهی در ایران متولیان و گردانندگان امور

آستان قدس از طرف پادشاهان معین می‌شدند و مجری سیاست‌های آنان بودند. (عطاردی قوچانی، ۱۳۷۱: ۲/ ۶۹۴)

اما در دوره افشاریه با انتقال مرکزیت سیاسی به مشهد، زمینه برای نفوذ و دخالت بیشتر حکومت بر این مجموعه فراهم آمد. در دوره نادرشاه افشار (۱۱۶۰-۱۱۴۸هـ.ق) سیاست مذهبی وی بر این قرار گرفت که نظارت بر موقوفات و امور آستانه را شخصاً عهده‌دار شود. (مصطفوی رجالی، ۱۳۵۱: ۵۴) در زمان قاجاریه رواج وقف و افزایش موقوفات از سر گرفته شد و اروپاییانی که در این عصر از ایران دیدن کرده‌اند از املاک فراوان موقوفه آستان قدس سخن گفته‌اند، از جمله هانری رنه دالمانی می‌نویسد: «عایدات وقفی زیاد است، مخصوصاً عایدات موقوفات حضرت رضا(ع) که مقبره او در مشهد است بسیار مهم می‌باشد.» وی درآمد آن را در سراسر کشور ۶۰۰۰۰ تومان نقد و ۱۰۰۰۰ خروار غله ذکر می‌کند. (رنه دالمانی، ۱۳۳۵: ۷۲-۷۳) شاهان قاجار نیز مانند شاهان صفوی و افشار خود را متولی حقیقی آستانه مقدسه می‌دانستند و متولیان در واقع نمایان آنها در مشهد به‌شمار می‌رفتند. از جمله دوره‌هایی که منصب تولیت و انتخاب متولیان تغییر اساسی کرد، اواخر دوره صفویه و اوایل عصر قاجار می‌باشد. در عهد قاجار برای اداره بهتر امور آستانه که اکنون تشکیلات وسیعی را در بر می‌گرفت، ناظر کل (متولی‌باشی)، افرادی را به‌عنوان نماینده خود (نایب‌التولیه) در تمام تشکیلات آستان قدس منصوب می‌کرد. در اوایل حکومت قاجاریه تحت تأثیر سیاست‌های مذهبی شاهان قاجار - به ویژه فتحعلی‌شاه - نفوذ سادات در مشاغل کلیدی آستانه چون منصب نظارت، قائم‌مقام‌التولیه، معین‌النظاره، سرکشیکی و خادم‌باشی چشمگیر است که در این مورد می‌توان به جاری شدن عقد اخوت بین فتحعلی‌شاه و سید حسن تقوی تهرانی اشاره کرد. (مستوفی، ۱۳۷۷: ۵۳/۱) اما در اواخر این دوران نقش سادات کمرنگ‌تر می‌شود، زیرا سیاست شاهان قاجاریه بر انتخاب دولتمردان و شاهزادگان و متولیان غیربومی قرار گرفت. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴: ۲/ ۳۲۳) در دوره قاجار موقوفات آستان مقدس رضوی دچار آشفتگی گردید. مرتضی راوندی در کتاب «تاریخ اجتماعی ایران» به آشفتگی آستان قدس اشاره می‌کند و می‌نویسد: «وضع اوقاف در دوره قاجار هم‌چنان درهم و آشفته بود.» (راوندی، ۱۳۸۲: ۴/ ۸۶۰) آشفتگی اوضاع آستان قدس در مکاتبات صاحب منصبان دولتی نیز انعکاس پیدا کرده که نمونه‌هایی از این نوع شکایات به اعمال غیرقانونی متولیان از سوی اداره ولایات توسط مشهدی آقا بزرگ نوشته شده است. (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۱ الف و ۲۴/۱۰۳۲۵۰۰۰۸۱۷)

بدین ترتیب تا زمان حکومت پهلوی، اداره امور متعلق به مؤسسات مذهبی عمدتاً به دست روحانیان بوده است. در زمان رضاشاه تشکیلات سابق آستان قدس رضوی متزلزل و تشکیلات تازه‌ای برقرار و امور دفتری و محاسبات آستانه با قوانین و شیوه‌های جدید شروع شد. در راستای محدود کردن جایگاه قدرت روحانیان در جامعه ایران، رضاشاه اقدام به اصلاح آن کرد. وی لویح و قوانینی ارائه کرد تا دخالت و کنترل حکومت را در فرآیند اداری وقف بیشتر کند؛ بنابراین با تصویب قوانین و اجرای مقررات جدید برای کنترل بیشتر دولت بر املاک و دارایی‌های وقفی و نحوه هزینه کردن درآمد حاصل از آنها که بیشتر در اختیار روحانیان بود، موفق شد درآمدهای املاک وقفی را از اهداف مذهبی و عام‌المنفعه که مدنظر روحانیان بود به اهداف غیرمذهبی که بیشتر تحت کنترل و نظارت دولت قرار داشت، برگرداند. (تخشید، ۱۳۷۷: ۱۰۷) پس از رضاشاه، محمدرضاشاه پهلوی نیز با دو دوره متفاوت حکومتی، اهداف رضاشاه را ادامه داد؛ در نتیجه نحوه مدیریت بر آستانه قدس رضوی در این دوره دچار تغییر و دگرگونی شد.

مسأله اساسی تحقیق حاضر این پرسش است که با توجه به روند تحولات اجتماعی و اقتصادی که به مرور در جامعه به وجود آمده، نحوه اداره آستان قدس رضوی در عصر پهلوی اول و دوم چگونه بوده است؟ در این زمان، رضاشاه به بهانه تجددگرایی و کاستن قدرت اقتصادی نهاد روحانیان، با در اختیار گرفتن اداره موقوفات، مدیریت آستان قدس را نیز در اختیار گرفت. با تشکیل حکومت پهلوی و نوع نگاه حاکمان این سلسله نسبت به جایگاه مذهب و ایده رسیدن به تمدن اروپایی (شبه مدرنیته) و نیز باستان‌گرایی، برای کاهش قدرت روحانیان که اکثر موقوفات را تحت نظارت داشتند، اقداماتی صورت گرفت و قوانینی تصویب شد که نتیجه آن چیزی جز صدمه بر موقوفات به‌عنوان مهم‌ترین منبع درآمد علما نبود.

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد اسنادی و کتابخانه‌ای، به نگارش درآمدی است. روش به‌کار گرفته‌شده برای این تحقیق در مرحله اول استخراج مطالب از اسناد و وقف‌نامه‌های نویافته بوده است؛ در مرحله دوم مطالب روزنامه‌های این دوره استخراج گردید؛ در مرحله سوم برداشت کتابخانه‌ای و اسنادی با استفاده از منابع و اسناد مربوط به موضوع بوده و پس از تجزیه و تحلیل به صورت متن اصلی به رشته تحریر درآمدی است. روش انجام تحقیق بستگی به اهداف، سؤالات و دامنه تحقیق، ماهیت موضوع تحقیق و امکانات اجرایی آن به شیوه تاریخی (استقرائی) صورت گرفته

است. علاوه بر این، محقق به منظور پاسخگویی به پرسش‌های تحقیق و دستیابی به اهداف تعیین شده، از رویکرد تحلیل محتوا نیز بهره برده و به تفسیر کیفی داده‌های مربوطه نیز پرداخته است.

در خصوص سنت وقف، پژوهش‌ها، مقالات و کتب متعددی تألیف شده است که از موارد مهم آن، می‌توان به کتاب وقف و سیر تحولات قانون‌گذاری در موقوفات، نگارش نادر ریاحی‌سامانی (۱۳۷۸ش) اشاره کرد که نویسنده به پیشینه وقف در ایران، شرحی از احکام فقهی و قانونی وقف و... پرداخته است. هم‌چنین می‌توان از کتاب تاریخ آستان قدس، تألیف علی مؤتمن (۱۳۴۸ش)، نام برد. نیز به کتاب شمس‌الشموس یا انیس‌النفوس، تألیف محمد احتشام‌کاوینیان (۱۳۵۵ش)، اشاره کرد.

هم‌چنین مقالات: ۱- «نیت و مصارف واقفان مشهد در دوره پهلوی اول و دوم با تکیه بر وقف- نامه‌های اداره اوقاف خراسان رضوی و آستان قدس رضوی» نوشته اسدالله نیک‌مهر (۱۳۹۲ش)؛ ۲- «اصلاحات و سیاست‌های نوگرایی رضاشاه و تأثیر آن بر قدرت و نفوذ روحانیون»، نگارش محمدرضا تخشید (۱۳۷۷)؛ ۳- «نگاهی کوتاه به تاریخچه یکی از مدون‌ترین تشکیلات موقوفاتی دنیا»، مجموعه مقالات همایش وقف و تمدن اسلامی، تألیف ابوالفضل حسن‌آبادی (۱۳۸۷ش)؛ ۴- «نظام‌نامه خدمات کشیکی آستان قدس در سال ۱۳۰۷»، سیدحسن حسینی (۱۳۸۱ش)؛ ۵- «شناسایی و وجه تسمیه معابر، محلات و اماکن عمومی و بافت قدیم شهر مشهد»، محمدرحیم رهنما (۱۳۹۰ش)؛ ۶- «وقف در اندیشه و آثار امام خمینی»، نشریه وقف میراث جاویدان، به نگارش حسن پویا (۱۳۸۹ش)؛ ۷- هم‌چنین «سقاخانه‌های قدیمی تهران»، نوشته رحمان احمد ملکی (۱۳۷۷ش) و ۸- مقاله «موقوفه‌خواری قدیم و موقوفه‌خواری جدید»، نگارش یوسف علوی (۱۳۹۰ش)؛ از دیگر آثاری است که در این زمینه تألیف شده است.

به رغم این‌که پیرامون وقف، کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی نوشته شده اما تاکنون تحقیق مستقلی با رویکرد ساختار اداری و نحوه اداره آستان قدس رضوی در عصر پهلوی صورت نگرفته و در منابع مختلف، به صورت پراکنده و ذیل موضوعات دیگر، به آن پرداخته شده است. لذا با توجه به تداوم نهاد وقف تا به امروز و نیز کمبود و خلأ پژوهش‌های تاریخی و منابع اطلاعاتی در این زمینه، پرداختن به آن از اهمیت و ضرورتی خاص برخوردار است.

پهلوی اول و نحوه اداره آستان قدس

در هنگام کودتای ۱۲۹۹ هـ ش شرایط سیاسی و اجتماعی ایران به گونه‌ای بود که در بین علما و ملیون مقاومتی به وجود نیاورد. در این میان رضاخان سردار سپه، فرمانده نظامی کودتا، در کنار ادعای ایجاد نظم، خود را هواخواه مذهب و پشتیبان آن می‌دانست. با امضای سید ضیاءالدین، نخست‌وزیر وقت، دستوری مبنی بر اصلاحات آستانه قدس رضوی صادر شد و مأموریتی در کمیسیون تعیین گردید تا در امور آستانه مداخله نمایند؛ (مؤتمن، ۱۳۴۸: ۲۰۶) عین دستور تلگرافی که از مرکز به مشهد به کلنل محمدتقی خان که در آن وقت رئیس ژاندارمری خراسان بود مخابره شد در ذیل نقل می‌شود:

فصل اول- کمیسیونی موسوم به کمیسیون تشکیلات، مرکب از چهار نفر موثقین معتمد شهر، غیر از اعضاء آستانه، تحت ریاست متولی‌باشی برای طرح نقشه تشکیلات جدید و استخدام اعضاء لایق که در آینده لازم می‌باشند، تشکیل داده است.

فصل دوم- کمیسیونی موسوم به کمیسیون تسویه محاسبات آستانه، مرکب از چهار نفر اشخاص مطلع و معروف به صحت عمل، انتخاب و تشکیل جلسه داده‌اند.

فصل سوم- کمیسیونی موسوم به کمیسیون املاک آستانه از اشخاص موثق برای اداره کردن املاک حضرتی انتخاب نمایند. (مؤتمن، ۱۳۴۸: ۲۰۶-۲۰۷)

اختلافات داخلی متصدیان امور آستانه و انتظار ترقی افکار عمومی که به کلی از وضع آشفته و بی‌نظمی‌های قبلی خسته و ناراضی بودند، وزیر جنگ (رضاخان) را بر آن داشت تا در امور آستانه نیز مداخله کند. وی پس از آنکه به مقام نخست‌وزیری ارتقاء یافت دخالتش را در نظام اداری آستانه قدس به صورت جدی‌تری توسعه و ادامه داد.

یکی از اولین اقدامات رضاشاه جهت کسب قدرت، در دست گرفتن امور آستانه بود. نظر به اعتبار و ثروتی که با این موقوفات ملازم بود، رضاشاه خودش را متولی آستان قدس اعلام کرد. او نحوه مدیریت را تغییر داد و بخشی از درآمدها را صرف آمایش شهر مشهد و تأسیس یک بیمارستان برای زائرین کرد. (اورکاد، ۱۳۸۲: ۸۸) رضاشاه در اواخر ۱۳۰۲ هـ ش، به امیر لشکر، حسین خزائی،

دستوری مبنی بر ضبط ترتیبات و عایدات املاک آن و هم‌چنین رسیدگی به حساب‌های آستان صادر نمود. براساس گزارش کنسول انگلیس، این دستور بنا به درخواست متولی‌باشی صادر گردید، زیرا وی مدت‌ها بود در مورد اخذ کرایه اموال متعلق به آستان با مشکل مواجه شده بود؛ (میرزاصالح، ۱۳۷۲: ۵۲۶) سردار اسعد در مورد این رویداد گفته است: «امیر لشکر مشغول اقدامات است. تمام ترتیبات آستانه و مخارجات فوق تصور بدون جهت و نتیجه، بهم خواهد خورد. یک تشکیلات صحیح خواهند داد که ترتیبات آستانه از این فضاخت خلاص شود.» (افشار، ۱۳۷۸: ۱۰۶)

حسین خزائی در پی دستور رسیده، کمیته‌ای متشکل از بیست‌ودو نفر را مأمور رسیدگی به امور نمود که افرادی چون متولی‌باشی و مأمورینی از آستان، امیر علم، رؤسا یا معاونین ادارات و دو تاجر سرشناس در آن شرکت داشتند. (میرزاصالح، ۱۳۷۲: ۵۲۷) ریاست این کمیسیون بر عهده یک نظامی به نام امیراسماعیل خان گذاشته شد و متولی‌باشی موظف گردید کلیه اقدامات خود را به این کمیسیون گزارش نماید. (سوزنچی کاشانی، ۱۳۸۷: ۵۸-۵۹)

کمیسیون اصلاح امور آستانه، بعد از تشکیل، هرشب جلساتی را برگزار می‌نمود. (افشار، ۱۳۷۸: ۱۰۸؛ روزنامه خورشید، ۱۳۰۲/۱۱/۳: ۳) در روزنامه خورشید چنین اظهارنظر شد که چنانچه امیر لشکر با یاری آقایان آستانه موفق به اصلاحات گردد، کاری خارق‌العاده انجام داده است. در روزنامه خورشید هم‌چنین به خزائی توصیه شد، چنانچه خواهان دستیابی به اصلاحات واقعی است، فقط باید رؤسای ادارات مشهد یا معاونین آنها را به همراه افرادی چون امیر اعلم در کمیسیون شرکت دهد و مأموران آستانه را از کمیسیون اخراج نماید. به ادعای روزنامه خورشید، مأموران آستان در صورت عضویت در کمیسیون اصلاحات، در بدو امر شروع به طرح دعوای ملکی نموده و در نتیجه بیشتر اهالی خراسان را بر ضد اصلاحات شورانده‌اند و خود به این ترتیب با توقف اصلاحات، همانند قبل به کارهای خود مشغول گشتند. (روزنامه خورشید، ۱۳۰۲/۱۱/۳: ۲)

اصلاحات در نحوه اداره آستانه، بعد از رئیس‌الوزرای رضاخان، مقدمه‌ای بر سیطره رضاخان و نظامیان بر امور شد، به طوری که در اردیبهشت سال بعد (۱۳۰۳ هـ.ش) اقداماتی جهت واگذاری آستان قدس به حسین خزائی انجام گرفت. (روزنامه آزاد، ۱۳۰۳/۲/۱۹: ۲) در دوره پهلوی اول (۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ هـ.ش) تنها دو نفر به نام‌های محمدولی اسدی و فتح‌الله پاکروان به‌عنوان نیابت تولیت، سرپرستی امور آستانه را به‌عهده گرفتند. (مؤتمن، ۱۳۴۸: ۲۴۵)

رضاشاه در سال ۱۳۰۴ هـ.ش به سلطنت رسید و تحولات جدیدی را در تاریخ معاصر ایران رقم زد. (اورکاد، ۱۳۸۲: ۸۸) وی در حالی که خود مقام تولیت آستان قدس را بر عهده گرفته بود، در تابستان ۱۳۰۵ هـ.ش به خراسان رفت و بر اثر گزارش‌هایی که از محمودلی خان اسدی، راجع به آستان قدس رضوی، دریافت داشته بود، دستورها و اوامری در خصوص اصلاحات امور مطرح شده، صادر کرد؛ همچنین در همان سال محمودلی خان اسدی را به‌عنوان نایب‌التولیه به مشهد فرستاد. انتخاب وی به این مقام، عده‌ای را در مشهد آزرده‌خاطر ساخت؛ به‌ویژه گروهی از کارگزاران آستان قدس که انتخاب او را مصلحت نمی‌دانستند، ولی دربار به این مخالفت‌ها توجهی نکرد. اسدی در زمان نیابت تولیت خود در آستان قدس اقدامات زیادی در جهت اصلاح امور اداری و عمرانی انجام داد. (عطاردی قوچانی، ۱۳۷۱: ۷۰۴ / ۲) وی، برای اصلاحات آستانه، پس از مطالعه اوضاع، ظرف سه چهار ماه اول با همان دستگاه و تشکیلات سابق، کمیسیون‌هایی از علما و موجهین شهر برای ثبت و ضبط وقف‌نامه‌ها تشکیل داد. این کمیسیون مرکب از تیمورتاش، وزیر دربار وقت و بهرامی، رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی و میرزا مرتضی قلی‌خان، نایب‌التولیه سابق، که آن وقت در مشهد بود و خود اسدی تشکیل شد. آنها برنامه اصلاحات را تهیه و پیشنهاد نمودند. (مؤتمن، ۱۳۴۸: ص ۲۰۸-۲۰۹) اولین بودجه آستانه با اسلوب و شیوه جدید تنظیم و به تصدیق شاه رسید و به مرحله عمل و اجرا گذارده شد. از آن تاریخ به بعد در پایان هر سال یک نسخه از صورت‌حساب‌های یک‌ساله به ضمیمه اوراق و اسناد خرج مربوطه آن که به‌وسیله اداره حسابداری آستانه تنظیم می‌شد، به دربار شاهنشاهی ارسال می‌گردید و در همان موقع بودجه سال بعد نیز از طرف آستانه تهیه و پیشنهاد می‌گردید، به‌نظر و صحنه شاه می‌رسید و مورد عمل قرار می‌گرفت. (مؤتمن، ۱۳۴۸: ۲۶۷) از جمله اقدامات او عبارت بودند از: تغییر نظام‌نامه آستان قدس و تنظیم روش جدید، تزیین سردر شرقی صحن جدید و تأسیس مدرسه آستان قدس رضوی از محل درآمد موقوفات مطلقه. (عطاردی قوچانی، ۱۳۷۱: ۷۰۴ / ۲)

پس از اعدام اسدی، امور آستان قدس و استانداری خراسان به فتح‌الله پاکروان (۱۳۱۴-۱۳۲۰ هـ.ش) واگذار گردید. (اسناد وزارت اطلاعات، سند شماره ۲۰۷۶۹؛ سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۱۰۰۰۸۹/۶۲) (شکل شماره ۱) پاکروان با قدرت بیشتری در تکمیل و ادامه کارهای ناتمام زمان اسدی اهتمام ورزید، اقدامات او عبارت بودند از:

احیای موقوفات و به ثبت رساندن رقبات موقوفات (مؤتمن، ۱۳۴۸: ۲۴۵)؛ تبدیل به احسن کردن و غیرشرعی نمودن املاک موقوفات آستان قدس در ایران؛ فروش طلاهای آستان قدس و خرید املاک درگز برای آستان قدس (عطاردی قوچانی، ۱۳۷۱: ۲/ ۶۵۱)؛ تشکیل شرکت فلاحتی رضا و به اجاره دادن املاک آستان قدس (مؤتمن، ۱۳۴۸: ۲۴۵)؛ در زمان فتح‌الله پاکروان، املاک وقفی از ید مستأجرین مختلف و متعدد یا نامناسب خارج گردید و از طرفی املاک آستانه قدس را در مشهد و توابع آن و شهرستان‌ها از کوچک و بزرگ به شرکت فلاحتی خراسان اجاره دادند. این شرکت املاک را به حوزه‌های مختلف تقسیم نمود و به عمران این املاک پرداخت. درباره نحوه تقسیم زمین در این زمان باید گفت زمینی که متعلق به آستان قدس بود و می‌خواست به شرکت اجاره داده شود، ابتدا توسط یک کارشناس مورد بررسی قرار می‌گرفت؛ در این بازدید زمین‌های مورد نظر با تمام جوانب مورد بررسی قرار می‌گرفت و مشخصات آن در برگه‌هایی ثبت و به تأیید نیابت تولیت وقت می‌رسید. (سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند اموالی شماره ۱۱۱۶۹۷/۳) (شکل شماره ۵) در جریان اجاره زمین‌های موقوفی به شرکت فلاحتی خراسان مورخه ۱۳۱۷/۱/۸، زمین‌های سادات رضوی از جمله حاج قائم‌مقام رضوی نیز به اجاره داده شد. وی نیز در نامه‌ای به آستان قدس در این زمینه شکایت کرد و خواستار بازگرداندن این اراضی موقوفه شد. (سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره اموالی ۱۰۲۷۳۱/۱) (شکل شماره ۲)

لمبتن در مورد املاک آستان قدس می‌گوید: «املاک آستانه در زمان سلطنت رضاشاه و اوایل سلطنت محمدرضاشاه به شرکت فلاحتی اجاره داده شده و چنانچه می‌گویند، نتیجه این کار رضایت‌بخش نبوده است. مال‌الاجارهایی که شرکت پرداخت می‌کرد بسیار قلیل و هرگز آن را تمام و کمال ادا نمی‌کرده است. این شرکت در سال ۱۳۲۶-۱۳۲۷ هـ.ش منحل و موقوفات متعدد آستانه به دسته‌ها و افراد مختلف اجاره داده شد.» (لمبتن، ۱۳۶۲: ۴۲۰)

اصلاحات دوره رضاشاه در اداره امور آستان قدس

بعد از آنکه رضاشاه توانست در سال ۱۳۰۴ هـ.ش به‌طور رسمی به سلطنت برسد، اقدامات خود را در زمینه‌های مختلف شروع کرد. او در راستای محدود کردن جایگاه مذهب و روحانیت در جامعه، در اوقاف دخالت کرد، (بصیرت‌منش، ۱۳۷۸: ۶۲) چون یکی از منابع قدرت مالی و استقلال علما

از این طریق بود؛ رضاشاه برای محروم کردن علما از این استقلال مالی و قطع درآمد آن‌ها و در نتیجه کاستن قدرت آن‌ها، برنامه‌ها و قوانینی ارائه کرد تا دخالت و کنترل حکومت را در فرآیند اداری وقف بیشتر کند. (نیک‌مهر، ۱۳۹۲: ۱۱۲) در این زمان رضاشاه برای کاستن هرچه بیشتر قدرت علما، وقف و اوقاف را نیز از دست آنان خارج کرد. علمایی که می‌توان گفت یکی از عوامل قدرت آن‌ها، همین وقف و درآمد اوقاف بود. (تخشید، ۱۳۷۷: ۱۰۶)

حکومت پهلوی با در پیش گرفتن سیاست‌هایی متفاوت از حکومت‌های پیشین تغییرات عمده‌ای را در تمام ارکان کشور از جمله نهاد وقف ایجاد کرد. سیاست‌هایی مانند غیردینی و مدرنیزه کردن کشور در دوره رضاشاه در وضع اوقاف تأثیر مستقیم نهاد. اقدامات او که متأثر از سیاست مغایر با مذهب و متمرکز ساختن همه نهادهای سیاسی و اجتماعی تحت کنترل و نظارت دولت بود، تحولاتی را در اداره اوقاف ایجاد کرد. به‌رحال نظارت دولت بر اوقاف موجب شد تا حوزه‌های دینی از نظر اقتصادی با تنگنای مضاعفی مواجه شوند به‌گونه‌ای که از این‌پس تأمین بودجه حوزه‌ها صرفاً از طریق خمس بود. (بصیرت‌منش، ۱۳۷۸: ۸۹) در همین راستا و در جهت مدرنیزه کردن کشور کنترل شدیدی بر تمام ارکان حکومتی اعمال کرد که اوقاف آستان قدس نیز از این قاعده مستثنی نبود.

رضاشاه در سال ۱۳۱۳ هـ.ش به همراه تعدادی از مستشرقین، جهت گشایش کنگره هزاره فردوسی وارد مشهد شد. فکر برگزاری این مراسم و جشن هزاره فردوسی از طرف تقی‌زاده مطرح گردید و چون شاه هم به تجدید دوره باستانی علاقه داشت، این اقدام را و جهت نظر قرار داد. (هدایت، ۱۳۶۱: ۴۰۴) وی در این سفر ابتدا به حرم مطهر وارد شد و مورد استقبال برخی از علما و مسئولان قرار گرفت. (جلالی، ۱۳۷۸: ۶۳) از دیگر فعالیت‌های رضاشاه در این زمان که تا حدودی در رکود فرهنگی نقش داشت، می‌توان به نقش او در رکود حوزه علمی مشهد اشاره کرد. روابط علمای مشهد با رضاشاه براساس احترام متقابل تا مدتی ادامه داشت و پس از آن به‌کلی دگرگون شد؛ به‌طوری که در هنگام حضور شاه در حرم امام رضا(ع)، آیت‌الله سید حسین قمی از شرکت در مراسم استقبال او خودداری کرد و حتی یکبار هم به علت مصادف شدن سفر شاه با ایام عزاداری محرم، ایشان و تعدادی از علما با تزیین و چراغانی کردن شهر مخالفت کردند. (شمس‌آبادی، ۱۳۸۹: ۸۵)

در بین سال‌های ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰ هـ.ش به دنبال مبارزات روحانیان مشهد با حکومت مرکزی و از همه مهم‌تر به دنبال حادثه خونین مسجد گوهرشاد در سال ۱۳۱۴ هـ.ش، حوزه علمی مشهد تعطیل

شد و مدارس بزرگ و معروف مشهد مانند میرزا جعفر، نواب و باقر به تصرف ادارات دولتی و معارف و اوقاف درآمد. (رهنما، ۱۳۹۰: ۲۲)

رضاشاه در آخرین روزهای سلطنت خود، بالاخره موفق شد با عنایت به اقتدار مقطعی خود، قانونی را در ۹ ماده و در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۰ هـ.ش به تصویب مجلس فرمایشی خود برساند که براساس آن وزارت دارایی رسماً مجوز فروش موقوفه را دریافت کرد و مأمور شد تا به آن مبادرت ورزد. به دنبال تصویب و توشیح این قانون تعداد زیادی از موقوفه‌های غنی کشور به تملک دربار درآمد. این تملک که ظاهری رسمی و قانونی داشت، ضربات سهمگینی را به فرهنگ وقف کشور وارد کرد. (متین دفتری، ۱۳۷۰: ۱۰۴) حیف و میل اموال وقفی به علت سوءمدیریت و تعرض حکومت پهلوی و رفتارهای دور از مذهب، سبب شد تا مردم تمایل کمتری به وقف نشان دهند؛ هرچند از نظر اقتصادی وضعیت مالی مردم بهتر از دوره قاجار بوده است. (ازغندی، ۱۳۷۹: ۱/ ۳۳۹-۳۴۲)

بعد از تبعید او در شهریور ۱۳۲۰ هـ.ش بود که مجلس قانون مذکور را در ۸ آبان همان سال رسماً لغو گردانید. (اداره تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، ۱۳۸۰: ۲۱) در نتیجه، دستگاه آستان قدس، زمان زمامداری رضاشاه پهلوی که اصلاحات تازه‌ای در آن شروع شد، تا درجه‌ای از پیشروی بازماند. (مؤتمن، ۱۳۴۸: ۲۶۸)

تشکیلات اداری آستان قدس رضوی

آستان قدس رضوی در تمام طول تاریخ مستقل بوده و دولت‌ها در آن دخالتی نداشته‌اند، امور اداری و انتظامات و خدمات در آنجا توسط خود کارگزاران انجام می‌گرفت و متولیان تنها در برابر حاکم کشور مسئولیت داشتند و هیچ‌کدام از مقامات حکومت و دولت حق مداخله در امور روضه مبارکه را نداشته‌اند و این سنت هم‌چنان ادامه دارد و آستان قدس استقلال خود را حفظ کرده است. تشکیلات آستان قدس و ادارات آن در دوره‌های مختلف دچار تغییر شده‌اند و فراز و نشیب‌هایی داشته‌اند، آداب و رسوم در ادوار مختلف تاریخ در آنجا به کار گرفته شده و سلیقه‌های نایب‌التولیه‌ها نیز در آن مؤثر بوده است و حاکمان و کارگزاران نظریات خود را در آن به کار بسته‌اند. (عطاردی قوچانی، ۱۳۷۱: ۲/ ۶۹۴-۶۹۶) در مورد تشکیلات و شیوه اداره نمودن آستان قدس رضوی تا پیش از دوره صفویه که آستانه دارائی و درآمد چندانی نداشت، سابقه روشن و اطلاعاتی در دست نیست. در عصر صفویه که آرامشی در مملکت به وجود آمد و آستانه هم موقوفات و دارائی زیادتری پیدا

کرد، تشکیلات سازمانی از حیث خدمه و حفاظ و مباشر و مستوفی و ناظر و عمال دیگر برقرار بوده است، به ویژه در زمان شاه عباس اول به علت اهتمام وی به امر وقف و برقراری امنیت در خراسان، تشکیلات اداری - رسمی آستان قدس پی ریزی گردید.

در این دوره به تدریج با افزایش قدرت مالی و افزایش تعداد کارمندان، تشکیلات منظمی برای اداره حرم و متعلقات آستان قدس در کشور شکل گرفت که از نظم خاصی پیروی می کرد. به طور کلی نظام اداری آستان قدس در دوره صفویه به دو قسمت: الف) تشکیلات مربوط به اداره حرم؛ و ب) تشکیلات مربوط به اداره اماکن حرم، شامل: زمین ها، مزارع و باغات متعلق به آستان قدس در مشهد و سایر نقاط تقسیم می شد. (حسن آبادی، ۱۳۸۷: ۳۵)

در دوره قاجاریه از سلطنت آقامحمدخان تا اواخر سلطنت فتحعلی شاه به علت گرفتاری دولت، اصلاحات تازه ای در سازمان آستان قدس به عمل نیامد. (ثابت نیا و همکاران، ۱۳۸۱: ۳۱/۱) تا اواسط این دوره همه ساله و در انتهای هر سال صورت جامعی از کلیه خرج و جمع یک ساله (مؤتمن، ۱۳۴۸: ۲۲۶) توسط مستوفیان و اعضاء مربوطه با ذکر نام، جزئیات نقد و جنس تنظیم و با امضاء و مهر متولی وقت تسویه می شده است. از اواسط سلطنت ناصرالدین شاه، دستگاه اداری آستان قدس رو به خرابی گذارده است. (مؤتمن، ۱۳۴۸: ۲۶۲)

اما در دوره رضاشاه، تشکیلات سابق آستانه، متزلزل و تحولات بنیادین برقرار گردید. امور دفتری و محاسبات آستانه با اسلوب جدید مدیریت آغاز کرد و میز و صندلی از آن زمان در ادارات آستان قدس رضوی معمول شد و رسیدگی به امور اوقاف به وسیله افسران لشکر و افراد موجه غیر موظف آستانه با تشکیل کمیسیون هایی در محاسبات گذشته و محتویات خزانه و... آغاز گردید. (مؤتمن، ۱۳۴۸: ۲۶۸)

تشکیلات اداری آستان قدس در این دوره به دو دسته تقسیم می شود: ۱- تشکیلات اداری اماکن متبرکه؛ ۲- تشکیلات اداری برای نظارت بر امور موقوفه و سازمان دهی امور رقبات وقفی. این تشکیلات به تدریج با گسترش موقوفات، افزایش یافته است. اداره امور اوقافی دوره قاجار در دارالتولیه مرکز، در تهران انجام می شد و از دوره پهلوی به بعد سازمان مرکزی برای اداره این امور با مجموعه ای متنوع به وجود آمد. امروزه این نهاد بزرگ وقفی بیش از ده هزار کارمند رسمی در مشهد و سایر نقاط ایران دارد. القاب و عناوین و اصلاحات به کار رفته در اسناد نیز حاکی از سبک

اداری خاصی می‌باشد که بر چگونگی شکل‌گیری و گسترش تشکیلات و مکاتبات اداری، سر برگ‌های نوشتاری اسناد، روش و شیوه به‌کار رفته در نگارش، سیاق‌نویسی و سیستم‌های مالی دلالت می‌کند و به غیر از این اسناد در جای دیگر وجود ندارد. (حسن‌آبادی، ۱۳۸۷: ۶۰۵-۶۰۶)

دوره پهلوی اول را باید عصر تحولات بنیادین در نحوه اداره آستان قدس نامید. از سال ۱۳۰۵ هـ.ش به بعد تحولات اساسی در نظام اداری این نهاد به وجود آمد. کلیه قسمت‌های اداری و اماکن متبرکه دستخوش تغییر شد و ادارات تغییر نام یا ماهیت دادند، هم‌چنین کلیه کشیک‌های خدمه اماکن متبرکه مجدداً سامان‌دهی شدند (احتشام‌کاوینیان، ۱۳۵۵: ۳۷۳) و آیین‌نامه جدید متناسب با نیازهای روز تدوین شد. (حسینی، ۱۳۸۱: ۱۱-۲۹)

آستان قدس رضوی در دوره پهلوی دوم

با خروج رضاشاه از کشور قدرت دربار از هم پاشید، آغاز جنگ جهانی دوم و ورود قوای متفقین به ایران، اوضاع کشور را از هر جهت دگرگون ساخت.^۱ اعمال حکومت نظامی و حضور ارتش‌های متفقین در تهران و شهرهای بزرگ کارایی چندانی نداشت. بحران اقتصادی و مالی نیز سبب می‌شد تا مقامات دولتی نتوانند در جهت رفع خواسته‌های مردم برآیند. (جامی، ۱۳۵۵: ۸۴)

روی کار آمدن محمدرضاشاه نیز اگرچه با وعده‌هایی مبنی بر اعطای آزادی‌های بیشتر و جبران گذشته همراه بود، (جامی، ۱۳۵۵: ۸۴) و اجتماعات مذهبی و سایر گردهمایی‌ها برخلاف گذشته علناً برگزار می‌شد اما او نیز مانند پدرش بعد از آن‌که قدرت رویارویی با روحانیت را کسب کرد سیاست‌های خود را در قبال مذهب و روحانیت تغییر داد. (ایوانف، ۱۳۵۶: ۲۰۹-۲۱۰)

تعاملات میان محمدرضاشاه و روحانیت در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۲ هـ.ش دارای دو مرحله بوده است:

الف) در این دوره فشار دولت بر علما و روحانیان کاهش یافت. شاه آن‌چنان در قالب قدرت جای نگرفته بود که توان مقابله یا حداقل برخورد مستقل با جامعه روحانیت کشور را داشته باشد. دین منبعی بود که او مشروعیتش را از آن اتخاذ می‌کرد لذا برای بقا نیاز به حمایت و پشتیبانی روحانیان

^۱ چگونگی و کیفیت ورود و حمله متفقین در سال ۱۳۲۰ هـ.ش در جنگ بین‌المللی دوم به ایران در روزنامه و مجلات وقت و بعداً در کتاب‌های متعدد داخلی و خارجی به‌طور مشروح درج گردیده است.

داشت. هرچند از اوایل دهه ۱۳۴۰ هـ ش هرچه بیشتر به سیاست‌های مدرنیزاسیون روی می‌آورد، از اهمیت دین در ایدئولوژی دولت کاسته می‌شد. با وجود این، شاه و دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت، نسبت به جایگاه مشروعیت‌بخشی دین به نظام سلطنت کاملاً آگاه بودند. (علم، ۱۳۷۷: ۱۰۸) - برای این - اساس وی، «برای بقا و دوام سلطنت و حکومت خود با ادعای ظلّ الهی بودن تخت و تاج پادشاهی» سعی می‌کرد مردم را به اطاعت از خود وادار کند. (ازغندی، ۱۳۷۹: ۲۵۷/۱) با فاصله کمی بر اثر توجهات محمدرضاشاه پهلوی مجدداً جریان امور به حال عادی درآمد. (مؤتمن، ۱۳۴۸: ۲۶۸)

ساختن داستان‌های توهم‌آمیز از ارتباط با خدا و ائمه نیز از دیگر اقدامات شاه در راستای این سیاست بود. «به قولی حمله به محافل بهائیان در سال ۱۳۳۴ هـ ش به وسیله ارتش نیز در جهت جلب نظر مساعد علما صورت گرفت.» (بشیری، ۱۳۸۰: ۸۴) شاه در گفته‌ها و نوشته‌هایش خود را فردی معتقد به امور مذهبی نشان می‌داد که همواره مورد توجه و مرحمت اولیای دین بوده‌اند و در حوادث و بلایا او را در بیماری، حادثه و سوءقصد نجات داده‌اند. (اکبری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵) هم‌چنین، دستور تعمیر ۲۹ بقعه و اماکن متبرکه را صادر کرد. ۲۴ باب مسجد به فرمان وی احداث یا تعمیر اساسی شدند. در روزهای تاسوعا، عاشورا، اربعین، رحلت پیامبر (ص) و شهادت امام رضا (ع) برنامه‌های مذهبی از رادیو و تلویزیون پخش می‌شد. (نجفی، ۲۵۳۵: ۲۹-۱۹۱-۲۱۱) البته مواضع روحانیان و آیت‌الله بروجردی، مرجع تقلید شیعیان، در این دوره هم تا حدودی بر محور عدم مداخله صریح و مستقیم در امور سیاسی بود؛ زیرا از نظر ایشان در آن شرایط حفظ ثبات سیاسی کشور در اولویت قرار داشت. (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۷۷) با انتقال قدرت از رضاشاه به محمدرضاشاه روحانیان توانستند به‌مانند بسیاری از گروه‌ها به بازیابی قدرت خود بپردازند و جایگاه خود را تا حدودی تغییر بدهند. (ازغندی، ۱۳۷۹: ۲۵۷/۱)

ب) در این زمان شاه از شیوه آزادمنشانه‌ای که قبل از این دنبال می‌کرد کناره گرفت و به بهانه سرکوب مخالفین و سامان دادن به اوضاع متشنج به تدریج به سمت تمرکز قدرت گرایید. به دنبال کودتای ۲۸ مرداد، شاه شخصاً کنترل سیاست خارجی ایران را به دست گرفت. روی هم رفته در دهه ۱۳۴۲-۱۳۳۲ هـ ش تمام هم و غم رژیم مصروف تحکیم موقعیت خود و سرکوب مخالفان بود. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۴: ۲۲۱)

از اواخر دهه ۱۳۳۰ ه.ش دولت با دو مشکل مواجه بود: نخست ظهور یک سلسله بحران‌های اقتصادی و سیاسی در داخل کشور و دوم مواجه شدن با فشار فزاینده خارجی برای اجرای برخی اصلاحات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی؛ از سوی دیگر از سال‌های آخر دهه ۱۳۳۰ ه.ش بر فشارهای ایالت متحده آمریکا بر هیئت حاکمه برای اجرای برخی اصلاحات اقتصادی و اجتماعی افزوده شد. (عظیمی، ۱۳۷۲: ۷۹-۸۳) در سال ۱۳۳۸ ه.ش طرح اولیه اصلاحات ارضی تسلیم مجلس شد. (مدنی، ۱۳۷۸: ۵۸۷/۱) آیت‌الله بروجردی از قم نامه‌ای به جعفر بهبهانی که در آن موقع وکیل مجلس بود نوشت و از طرح اصلاحات ارضی که قانون آن به مجلس داده شده بود شکایت کرد که این لایحه برخلاف شریعت اسلام و قانون اساسی است. (منظورالاجداد، ۱۳۷۹: ۴۲۱)

سرانجام آمریکا شاه را در سال ۱۳۴۰ ه.ش به پذیرش نخست‌وزیری امینی وادار کرد پس از مدتی شاه علم را به نخست‌وزیری منصوب کرد و با تأکید آمریکایی‌ها بر اجرای سریع اصلاحات، برنامه اصلاحاتی موسوم به انقلاب سفید را مطرح کرد. (ازغندی، ۱۳۷۶: ۲۸۱) مرحله اول اصلاحات ارضی در استان‌های مختلف به علل متفاوت همگون نبود، مثلاً در سیستان و بلوچستان هیچ‌گونه اصلاحاتی صورت نگرفت؛ در تهران به کندی انجام شد؛ در حالی که در خراسان شتاب زیادی داشت. در این مرحله موقوفات خاص و پاره‌ای از دهات که در اجاره رسمی بودند، مشمول محدودیت قانون اصلاحات ارضی نمی‌شدند. (ازغندی، ۱۳۷۹: ۱/۱۸۳) در منطقه خراسان اصلاحات ارضی از آذرماه ۱۳۴۱ ه.ش شروع شد و با مصاحبه سخنگوی اداره کل کشاورزی خراسان با خبرنگار آفتاب شرق درباره نحوه چاره‌اندیشی نسبت به املاک مالکینی که در چندین شهر یا استان دارای املاک بودند، تلاش اربابان برای پنهان کردن املاک خود در شهرهای مختلف را عقیم کرد. (جلالی، ۱۳۷۸: ۱۱۹)

مناطق خراسان به لحاظ وسعت به دو قسمت شمال و جنوب تقسیم شد. در منطقه شمال مهندس اخوان و در منطقه جنوب مهندس شیخ‌الاسلامی ریاست اداره اصلاحات را برعهده داشتند. آگهی‌های مربوط به اصلاحات در دو نوبت اول و دوم در شهرهای مختلف انتشار یافت. انتشار نوبت اول آگهی اصلاحات ارضی در مشهد، روز ۱۰ آبان ۱۳۴۱ ه.ش بود. شاه در روز ۲۰ آذر به مشهد آمد و پیش از آمدن او مهندس آصفی، رئیس اداره کل کشاورزی و صدقیانی، فرماندار شهرستان مشهد، مقدمات واگذاری اسناد را فراهم کرده بودند. به دستور شاه دانشکده کشاورزی مشهد در روز ۲۲ آذر، بار دیگر شروع به کار کرد و قرار شد املاک آستان قدس با اجاره‌های مدت‌دار به روستائیان

واگذار شود. (جلالی، ۱۳۷۸: ۱۲۱) این درحالی بود که قرار شد اراضی آستان قدس و حضرت معصومه(س) و اراضی دیگر امامزادگان مشمول قانون نشوند. شاه اسناد ۱۶۳۰ نفر از کشاورزان را به ۴۰ نفر از نمایندگان زارعان واگذار کرد. طبق گزارش آصفی، رئیس اداره کشاورزی خراسان که به محمدرضا پهلوی ارائه کرد، تا آذر ۱۳۴۱ هـ.ش در مشهد مالکیت ۶ روستا از ۴ مالک به دولت منتقل شد و به ۲۴۰ زارع واگذار گردید. املاک دو نفر از مالکین حومه مشهد به نام‌های محمد بندار صاحبی مالک کلاته حاجی اسماعیل و محمدعلی احمدی مالک عظیم آباد کلاته ماشاءالله که حاضر به واگذاری املاک خود نشده بودند، براساس ماده ۱۴ قانون اصلاحات ارضی به وسیله مهندس آصفی، رئیس اداره کل کشاورزی و سازمان اصلاحات ارضی خراسان، امضاء شد و خود ایشان، به نمایندگی از طرف دولت، املاک یاد شده را خریداری و سند را امضاء کردند. (جلالی، ۱۳۷۸: ۱۲۲)

به موجب مرحله دوم اصلاحات ارضی در خراسان مالکان باید یکی از سه راه پیش‌بینی شده در لایحه را انتخاب کرده و با کشاورزان در مورد آن توافق می‌کردند. چنان‌که خود مالکان و خرده‌مالکان با کشاورزان به توافق نمی‌رسیدند، آن وقت مأموران اصلاحات ارضی دخالت می‌کردند. در اجرای کامل اصلاحات ارضی، در اسرع وقت، ۵۰۰ قریه از املاک موقوفه آستان قدس رضوی به اجاره ۹۹ ساله داده شد. این روستاها براساس آمارگیری که به عمل آمد، بیشتر در حوزه مشهد و هم‌چنین در شهرهای کاشمر، سبزوار، نیشابور، سرخس، درگز و چند نقطه دیگر بودند. از ابتدا بانک کشاورزی و توسعه روستایی آماده دادن وام و مساعده به کشاورزان این مناطق بود. هم‌چنین سازمان مرکزی تعاون روستایی اقدام به تأسیس شرکت‌های تعاون روستایی در این مناطق کرد و کمک‌های لازم از طریق این شرکت‌ها در اختیار روستاییان قرار گرفت. (بابایی، ۱۳۸۹: ۱۶۴-۱۶۵)

اجرای اصلاحات ارضی در خراسان با موضع‌گیری علما و مبارزین مواجه شد و رسانه‌های غربی در کنار ستایش از اصلاحات ارضی شاه، نوک تیز پیکان خود را متوجه روحانیان کرده و آن‌ها را متهم کردند که اصولاً با تقسیم اراضی میان کشاورزان مخالف هستند. اما دلیل مخالفت علمای برجسته با اصلاحات ارضی این بود که آن‌ها هدف از اصلاحات مزبور را نابودی کشاورزی ایران و تبدیل ایران به واردکننده مواد کشاورزی از دولت‌های غربی به‌ویژه آمریکا می‌دانستند. آیت‌الله قمی در یکی از سخنرانی‌های خود ضمن ارائه تفسیر روشنی از اصلاحات گفت: «اصلاحات این نیست که بیت‌المال مسلمین را چپاول کرده و برای تشریفات زندگی خود صرف کنند.» (جلالی، ۱۳۷۸: ۱۳۰) آیت‌الله میلانی نیز اصل اصلاحات را قبول داشتند، ایشان مخالف نحوه اصلاحات

رژیم پهلوی به‌عنوان مجری آن بود و کنار گذاشتن روحانیت را خیانت به توده‌ها می‌دانستند. (جلالی، ۱۳۷۸: ۱۳۰) مخالفت روحانیان با اصلاحات ارضی زمانی قوت گرفت که دولت در چارچوب برنامه اصلاحات ارضی درصدد برآمد املاک موقوفه را مشمول این قوانین کند. در جریان اصلاحات ارضی و بعد از آن، سیاست نوگرایی شاه بر این بود که از مبالغ هنگفتی که زائران اهدا می‌کردند استفاده مناسبی به عمل آورد. این مدرن‌سازی در جهت اهداف ملی‌گرایانه ایرانی نیز عمل می‌کرد. دارایی و املاک آستان قدس این امکان را می‌داد هرگونه هزینه‌ای که ارتباط با وقف داشته باشد، تأمین شود. (ریاحی سامانی، ۱۳۷۸: ۳۹۶) در این دوره شاه ابتدا توانست با اجرای اصلاحات ارضی، بزرگ‌مالکان را به‌عنوان بالاترین طبقات اجتماعی از میان برداشته و در مواجهه با مخالفان مذهبی و شکست آن‌ها در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ هـ.ش از نفوذ اجتماعی - سیاسی آن‌ها کاسته و نیز با قرار دادن اوقاف تحت نظارت و اداره خود، شالوده قدرت اقتصادی آن‌ها را تضعیف کند. (ربانی خوراسگانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۶) در ۲۹ فروردین ۱۳۵۰ هـ.ش ماده واحده‌ای به تصویب مجلس شورای ملی رسید که براساس آن تصرف و فروش موقوفات جنبه قانونی به خود می‌گرفت. (اورکاد، ۱۳۸۲: ۳۷)

اصلاحات ارضی دوران محمدرضا شاه زمین‌های وسیع وقفی را دربرگرفت، اما همه تصریح می‌کردند که این اصلاحات تغییر چندانی در محدوده املاک آستان قدس به‌وجود نمی‌آورد. اجاره طویل‌مدت اراضی آستان قدس فقط به کشاورزانی اعطا شد که به شیوه سنتی اقدام به کشت‌و‌زراع در زمین‌های اطراف روستاها می‌کردند. میزان انتقال سود زمین‌ها تقریباً هیچ‌گاه جنبه قانونی به خود نگرفت. (اورکاد، ۱۳۸۲: ۸۶)

اقدامات برخی از نایب‌التولیه‌های آستان قدس در دوره پهلوی دوم

بررسی احوال و عملکرد نایب‌التولیه‌های آستان قدس رضوی در این برهه زمانی حاوی چند نکته مهم است که تا حدودی رویکرد کلی حکومت پهلوی دوم را در دهه آغازین آن نشان می‌دهد. موضوع نخست این است که رجال و شخصیت‌هایی که سمت نیابت تولیت را به دست آورده‌اند عموماً از اقشار تحصیل‌کرده جامعه می‌باشند. برخی از آن‌ها همچون علی منصور و غلامحسین اشرفی تحصیلات خود را در ایران سپری کرده‌اند و برخی دیگر پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در ایران راهی اروپا شده و در آنجا به تحصیل پرداخته‌اند. نکته دوم وابستگی این افراد به شاهزادگان

و خاندان‌های قاجاری است. این موضوع از برخورداری ایشان و پدرانشان از القاب و عناوین عهد قاجار همچون «منصورالملک»، «نصرالدوله»، «انتخاب‌الملک» که به ترتیب القاب حسنعلی منصور، ناصر اعتمادی، مصطفی قلی‌رام و نیز لقب «نصیرالدوله» که عنوان پدر محمود بدر می‌باشد به خوبی مشهود و بیانگر این معنی است که این افراد منتسب به خاندان‌های مرفه و صاحب نفوذ می‌باشند. (جلالیان، ۱۳۹۰: ۱۲) در دهه اول حکومت محمدرضا پهلوی (۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ هـ.ش) مجموعاً پنج نفر به نام‌های حسنعلی منصور، ناصر اعتمادی، غلامحسین اشرفی، محمود بدر و مصطفی قلی-رام به‌عنوان نایب تولیت آستان قدس انتخاب و راهی مشهد می‌شوند. (جلالیان، ۱۳۹۰: ۲)

همچنین رجب‌علی منصور (۱۳۴۲-۱۳۲۰ هـ.ش)، که اقدامات وی شامل موارد ذیل بوده اند:

اقدام در جهت ساختن بنای کتابخانه، موزه، تشریفات و بقعه شیخ بهایی، تغییر کشیک‌های آستان قدس و تبدیل کردن آن به شش کشیک (مؤتمن، ۱۳۴۸: ۲۵۵)؛ خریدن باغ بغوغو و باغ و عمارت استانداری برای آستان قدس (احتشام‌کاوینیان، ۱۳۵۴: ۳۵۴)؛ ساخت آرامگاه شیخ بهایی و اختصاص مدرسه میرزا جعفر جهت سکونت طلاب. (حجازی، ۱۳۴۱: ۵۵)

کوتاه‌ترین دوره نیابت تولیت در آستان قدس رضوی مربوط به این مقطع زمانی و متعلق به دوره سرپرستی مصطفی قلی‌رام (با ۸۹ روز) است. ضمن این‌که دو نفر دیگر یعنی اعتمادی و اشرفی نیز دوره سرپرستی کوتاهی در آستانه دارند. بدون شک این مسأله سبب شده افراد نام‌برده در کارنامه عملی‌شان، چندان اقدام برجسته و قابل توجهی مشاهده نشود. آنچه به‌عنوان مهم‌ترین اقدامات در این بازه زمانی قابل اعتناست، انتقال ساختمان کتابخانه آستان قدس به روبروی خیابان تهران (خیابان امام رضا) (سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۱۱۳۴/۲۶)، (شکل شماره ۶) اتمام ساختمان موزه، خارج کردن املاک مزروعی آستان قدس از اجاره شرکت فلاحتی خراسان، عقد قرارداد با بیمه جهت برخورداری کارکنان از حقوق بازنشستگی و برخی اقدامات در حد تعمیرات محدود در صحن‌ها، رواق‌ها و بعضاً روضه منوره است (شکل شماره ۷) که جزو برجسته‌ترین اقدامات به‌شمار می‌آید که برای مدت زمان ۱۰ سال چندان کارنامه درخشانی محسوب نمی‌شود، البته این موضوع تا حدودی بی‌ارتباط با مشکلات اقتصادی کشور نیست. اما بی‌کفایتی و بی‌تدبیری افراد، بعضاً عدم علاقه به این سمت و عدم اطمینان از باقی ماندن در این پست می‌تواند از علل دیگر رکود و عدم پیشرفت در این برهه زمانی باشد. (جلالیان، ۱۳۹۰: ۱۲)

عبدالعظیم ولیان (۱۳۵۳-۱۳۵۷.ش)، در دوره نیابت تولیت آستان، شروع به تخریب اطراف حرم مطهر نمود. (میرنیا، ۱۳۷۳: ۲/۲۹۳) پس از نارضایتی عمومی از اقدام توأم با تهدید و ارباب ولیان در ویران کردن پیرامون حرم مطهر، شرایط سیاسی و اجتماعی در مشهد رو به التهاب گذاشت و اعتراضات مختلف از نواحی گوناگون به خصوص روحانیت نسبت به ولیان اوج گرفت. روزنامه اطلاعات در شماره ۱۵۸۳۶ خود، اتهامات ولیان را چنین ذکر می‌کند: «تهدید صاحبان املاک به بهانه‌های گسترش شهر مشهد و سوءاستفاده‌های کلان از بیت‌المال و برداشت غیرقانونی از عواید موقوفات رضوی و سرقت از دفتر امانات آستان قدس، تحریک و ایجاد بلوا و آشوب که منجر به کشته شدن افراد در مناطق مختلف از جمله گنبد کاووس شده است.» (روزنامه اطلاعات، ۲/۲: ۱۳۵۸/۲): (شکل شماره ۳)

علاوه بر ارباب و تهدید در این روزنامه، اتهاماتی که به ولیان وارد شده، برداشت غیرقانونی از موقوفات و دستبرد به سایر اموال آستانه بود. طبق اسناد به دست آمده از ساواک ولیان یکبار در حالت مستی وارد حرم مطهر شده (سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۳۹) (شکل شماره ۴) و سعی کرده با جویدن آدامس بوی الکل را از بین ببرد که خدام حرم مطهر متوجه این موضوع شده بودند. (مرکز بررسی تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹: ۴۴۸/۵)

اعتراضات به عملکرد ولیان هم‌چنان ادامه داشت و او تا ۶ شهریور ۱۳۵۷ هـ.ش در مشهد به کار مشغول بود. وقتی شریف امامی در تاریخ ۵ شهریور ۱۳۵۷ هـ.ش به نخست‌وزیری رسید برای آرام کردن مردم بسیاری از رجال گذشته را بیکار کرد، ولیان نیز یکی از این افراد بود. او در تاریخ ۶ شهریور ۱۳۵۷ هـ.ش به تهران احضار شد. (بهزادی، ۱۳۷۷: ۷۶۵)

بعد از ولیان در سال ۱۳۵۷ هـ.ش دو نفر دیگر به نام‌های سیدمحمدصادق امیرعزیزی و حسن سراج حجازی نیز به سمت متولی آستان قدس منصوب شدند، ولی انتصاب آن‌ها چندان دوام نیاورد. (میرنیا، ۱۳۷۳: ۲/۲۹۳)

نتیجه‌گیری:

با تشکیل حکومت پهلوی و نوع نگاه حاکمان این دوره نسبت به مسأله مذهب و ایده رسیدن به تمدن اروپایی (شبه مدرنیته) و باستان‌گرایی، مطابق اهداف حکومت متمرکز، دولت سعی می‌کرد تا نهاد مذهبی را همچون سایر نهادهای فرهنگی تحت سیطره خود درآورد. در زمان رضاشاه امور اداری سابق آستانه، تحولات اساسی یافت، امور دفتری و محاسبات با قوانین و شیوه‌های جدید تدوین گردید.

تولیت آستان قدس همواره در طول تاریخ جزو شئون سلطنتی محسوب می‌شد و نایب‌التولیه‌ها از طرف دولت تعیین و مجری سیاست‌های حاکم وقت بودند. در دوره پهلوی همانند دوره قاجار، تولیت آستان قدس بر عهده شاه بود، نایب‌التولیه نیز معمولاً از جانب وی از میان رجال حکومتی تعیین و به مشهد فرستاده می‌شد. اکثر این افراد، در مجموعه تشکیلات دولت دارای مشاغل مهم و حساسی همچون نخست‌وزیری (منصور)، وزارت (منصور، اعتمادی و بدر)، معاونت وزیر (اعتمادی)، معاونت نخست‌وزیر و منشی هیأت دولت (اعتمادی و اشرفی) بوده‌اند. گزینش افراد براساس غیربومی بودن، دارای تحصیلات آکادمیک، فرنگ‌رفته، وابسته به خاندان‌های صاحب نفوذ قدیمی، دارای سابق مدیریت و پایتخت‌نشین (رام متولد مشهد بود)؛ و برخلاف (دوره پهلوی اول و دوره قاجار) از انتخاب صاحب منصبان نظامی و روحانیان خبری نیست. آشفتگی و عدم ثبات که دامنگیر کشور شده، به همه نقاط سرایت کرده و بر روند اداره امور آستان قدس نیز تأثیر گذاشته بود.

در این دوره تصرفاتی در وقفیات و دارایی‌های این آستان نیز شده است؛ هم‌چنین اجرای طرحی موسوم به اصلاحات ارضی، به طوری که زمین‌های موقوفه را بدون توجه به مسائل شرعی و فقهی دین مبین اسلام، تقسیم و املاک آستان قدس رضوی و سازمان اوقاف کشور را با هدف نابودی موقوفات، تولید و کشاورزی و وابستگی هر چه بیش‌تر کشور، به صورت قطعات کوچک واگذار می‌کردند. این در حالی بود که طبق فقه پویای اسلامی، وقف قابل بخشش، فروش و انتقال قطعی نیست و نمی‌توان آن را به رهن یا به ارث داد، بلکه فقط می‌توان آن را به اجاره داد.

با اقدامات پهلوی اول و دوم کم‌کم اوقاف از حالت مردم نهاد بودن خارج و به یک سازمان دولتی تبدیل گردید، دولتی شدن نهاد وقف سبب شد املاک و اراضی وقفی، آرام‌آرام به صورت خالصه

دولتی و حتی شخصی دربیابند و درآمدهای حاصله هم زیر نظر دولت و عموماً برای امور غیر مذهبی و آنچه مد نظر دولت بود هزینه می گردید و از نظارت واقفان خارج شد. در نتیجه، با توجه به عدم اعتماد و اطمینان مردم به حکومت در چگونگی نظارت بر املاک وقفی شان، کم کم از وقف نمودن املاک و اموال خود در این دوره، خودداری می نمودند.

منابع و مآخذ

کتاب

- احتشام کاویانین، محمد (۱۳۵۵). شمس الشموس یا انیس النفوس، مشهد: آستان قدس رضوی.
- اداره تدوین و تنقیح قوانین و مقررات (۱۳۸۰). تهران: انتشارات معاونت پژوهش.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۶). روابط خارجی ایران: دولت دست نشاند، تهران: قومس.
- ----- (۱۳۷۹). تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی ایران، تهران: انتشارات سمت.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۷۴). مآثر و آلائار، چهل سال تاریخ ایران، ترجمه ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- افشار، ایرج (۱۳۷۸). خاطرات سردار اسعد بختیاری، تهران: نشر اساطیر.
- ایوانف. م. س (۱۳۵۶). تاریخ ایران نوین، هوشنگ تیزابی و حسن قائم پناه، بی جا: بی نا.
- بابایی، امید (۱۳۸۹). سازمان روحانیت شیعه در عصر رضاشاه پهلوی، قم: انتشارات شیعه شناسی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰). موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران: نشر گام نو، چاپ دوم.
- بصیرت منش، حمید (۱۳۷۸). علما و رژیم رضاشاه، تهران: نشر عروج.
- بهزادی، علی (۱۳۷۷). شبه خاطرات، تهران: انتشارات زرین.
- ترکمان، اسکندر بیگ (۱۳۸۲). تاریخ عالم آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.

- جامی (۱۳۵۵). گذشته، چراغ راه آینده است: تاریخ ایران در فاصله دو کودتا تهران: سمندر.
- حجازی، فخرالدین (۱۳۴۱). آرمگاه شیخ بهایی، آستان قدس: انتشارات آستان قدس.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۲). تاریخ اجتماعی ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- رهنما، محمدرحیم (۱۳۹۰). شناسایی و وجه تسمیه معابر، محلات و اماکن عمومی و بافت قدیم شهر مشهد، مشهد: انتشارات اداره کل و روابط عمومی و بین‌المللی شهرداری مشهد با همکاری انتشارات سخن گستر.
- رنه دالمانی، هانری (۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه محمدعلی فره‌وش، تهران: امیر کبیر.
- ریاحی سامانی، نادر (۱۳۷۸). وقف و سیر تحولات قانون‌گذاری در موقوفات، شیراز: انتشارات نوید.
- شمس‌آبادی، حسن (۱۳۸۹). نقش علمای مشهد در انقلاب اسلامی، تهران: چاپ و نشر عروج.
- جلالی، غلامرضا (۱۳۷۸). مشهد در بامداد نهضت امام خمینی، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عطاردی قوچانی، عزیزالله (۱۳۷۱). تاریخ آستان قدس رضوی، مشهد: انتشارات عطارد.
- عظیمی، فخرالدین (۱۳۷۲). بحران دموکراسی در ایران: ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری، تهران: البرز.
- کاتوزیان، همایون (۱۳۷۲). مصدق و نبرد قدرت در ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ دوم.
- علم، امیر اسدالله (۱۳۷۷). یادداشت‌های علم، تهران: نشر مازیار، معین.
- لمبتن، ا.ک.س (۱۳۶۲). مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

ساختار اداری و نحوه اداره آستان قدس رضوی در عصر پهلوی

- متین دفتری، احمد (۱۳۷۰). خاطرات یک نخست وزیر، به کوشش باقر عاقلی، تهران: علمی.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۷۷). شرح زندگی من، ۳ جلد، تهران: انتشارات زوار.
- مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۷۸). تاریخ سیاسی معاصر ایران، ۲ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مرکز بررسی تاریخی وزارت اطلاعات (۱۳۷۹). رجال عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک (عبدالعظیم ویان)، تهران: انتشارات وزارت اطلاعات. (سند شماره ۳۵۹/۱۱۹۲ از اسناد ساواک)
- مصطفوی رجالی، مینودخت (۱۳۵۱). وقف در ایران، بی جا، بی نا.
- منظورالاجداد، محمدحسین (۱۳۷۹). مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست، تهران: شیرازه.
- مؤمن، علی (۱۳۴۸). راهنما یا تاریخ توصیف درباره ولایتمداری رضوی، آستان قدس رضوی، تهران: بانک ملی ایران.
- ----- (۱۳۴۸). تاریخ آستان قدس، مشهد: آستان قدس رضوی.
- میرزاصالح، غلامحسین (۱۳۷۲). رضاشاه، خاطرات سلیمان بهبودی، شمس پهلوی، علی ایزدی، تهران: نشر طرح نو.
- میرنیا، سیدعلی (۱۳۷۳). وقایع تاریخ خاور ایران، مشهد: انتشارات اردشیر.
- نجفی، سید محمد (۲۵۳۵). شاهنشاهی و دین‌داری، تهران: مرکز ارتباطات جمعی.
- هدایت، مهدی‌قلی (۱۳۶۱). خاطرات و خطرات، تهران: زوار.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۷۴). سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی ۱۳۰۰-۱۳۵۷، تهران: نشر البرز.

مقاله

الف) مجله

- اکبری محمدعلی و رضا بیگدلو (زمستان ۱۳۹۰). «پهلویسم: ایدئولوژی رسمی دولت محمدرضا پهلوی در دهه‌های ۱۳۴۰-۱۳۵۰»، فصلنامه گنجینه اسناد، س ۲۱، دفتر ۴، ص ۱۵.

- اورکاد، برنارد (۱۳۸۲). «وقف و مدرنیت در آستان قدس رضوی»، گفتگو، ش ۳۹، ص ۱، ۳۷، ۸۶ و ۸۸.

- تخشید، محمدرضا (۱۳۷۷). «اصلاحات و سیاست‌های نوگرایی رضاشاه و تأثیر آن بر قدرت و نفوذ روحانیون»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران، ش ۴۰، ص ۱۰۶-۱۰۷.

- ثابت‌نیا، علی؛ علی سوزنچی کاشانی (۱۳۸۱). «مهمانسرای مجموعه اسناد روشنایی حرم و اماکن وابسته در دوره قاجار»، دفتر اسناد. ج ۱، به کوشش اداره اسناد، مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی. از ص ۲۹ تا ۵۰.

-- حسن‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۷). «نگاهی کوتاه به تاریخچه یکی از مدونترین تشکیلات موقوفاتی دنیا»، مجموعه مقالات همایش وقف و تمدن اسلامی، تهران: انتشارت اسوه. ص ۳۵، ۶۰۵ و ۶۰۶.

- حسینی، سید حسن (۱۳۸۱). «نظام‌نامه خدمات کشیکی آستان قدس در سال ۱۳۰۷»، مشهد: کتابخانه مرکزی آستان قدس. ص ۱۱ تا ۲۹.

- ربانی خوراسگانی علی و ثریا معمار، جمشید ترابی اقدام (زمستان ۱۳۹۰). «تحلیل نگرش محمدرضاشاه پهلوی به حکومت‌گری، طبقات و جریان‌های پر نفوذ اجتماعی»، جامعه‌شناسی کاربردی، س ۲۵، ش ۴، ص ۴۶.

- نیک‌مهر، اسدالله (پاییز و زمستان ۱۳۹۲). «نیت و مصارف واقفان مشهد در دوره پهلوی اول و دوم (با تکیه بر وقف‌نامه‌های اداره اوقاف خراسان رضوی و آستان قدس رضوی)»، مطالعات اسلامی، س ۴۵، ش ۹۱، ص ۱۱۲.

ب) روزنامه

- روزنامه آزاد، سال اول، شماره ۹، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۳.

- روزنامه اطلاعات، سال پنجاه‌وسوم، شماره ۱۵۸۳۶، ۲ اردیبهشت ۱۳۵۸.

-روزنامه خورشید، سال شانزدهم، شماره ۲۳، ۳ بهمن ۱۳۰۲.

اسناد

-اسناد وزارت اطلاعات، سند شماره ۲۰۷۶۹.

-سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۱ الف و ۱۰۳۲۵۰۰۰۸۱۷/۲۴.

-سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره اموالی ۳۳۳۸۰/۲ - سند شماره اموالی ۱۰۲۷۳۱/۱ - سند اموالی شماره ۱۱۱۶۹۷/۳ - سند شماره ۱۰۰۰۸۹/۶۲ - سند شماره ۳۱۱۳۴/۲۶ - سند شماره ۲۳۹.

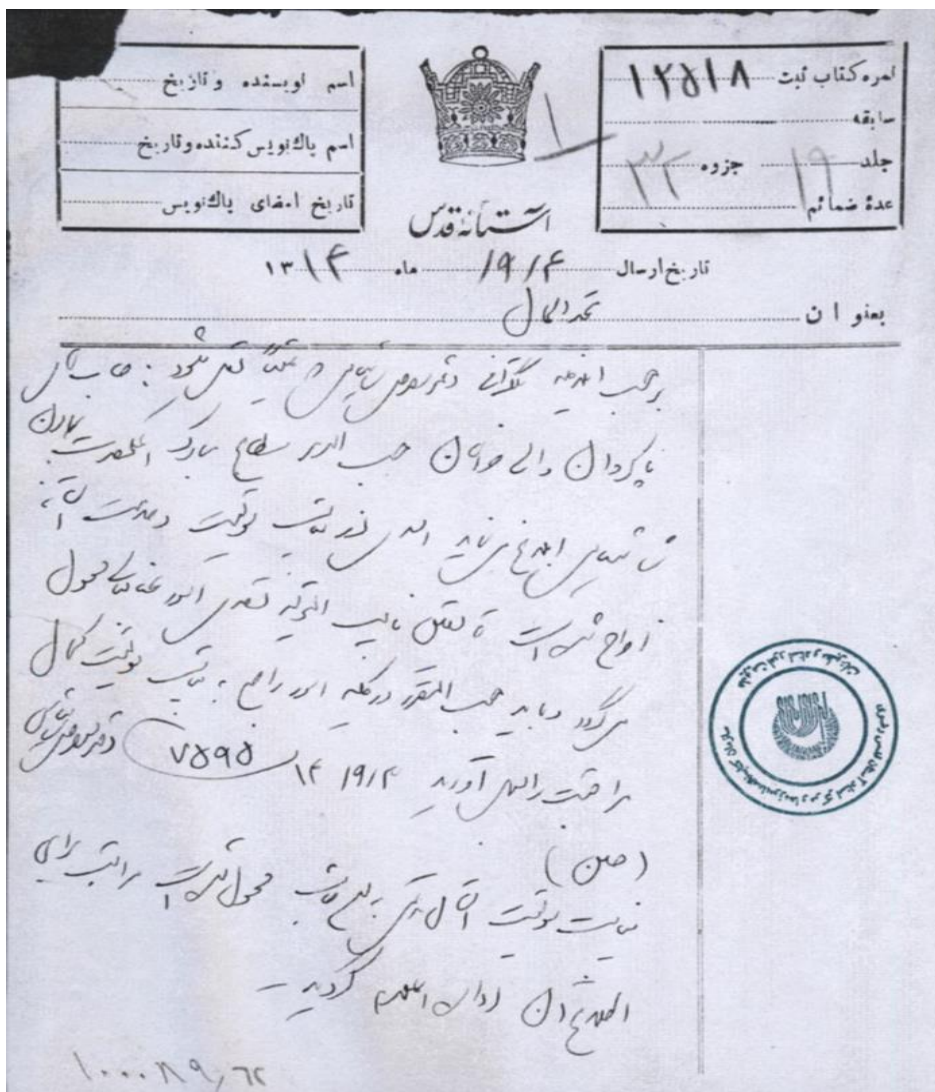
سایت‌های اینترنتی

-جلالیان، سعیده (۱۳۹۰). «شرح حال و عملکرد نایب‌تولیه‌های آستان قدس رضوی در دوره پهلوی دوم (۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ هـ.ش)»، دوره ۳، شماره ۱۰ و ۱۱، نشریه الکترونیکی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

shamseh@aqlibrary.org

پایان‌نامه

-سوزنچی کاشانی، علی (۱۳۸۷). شرح حال و زندگی محمدولی اسدی با تأکید بر اقدامات وی در آستانه قدس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد واحد بجنورد.

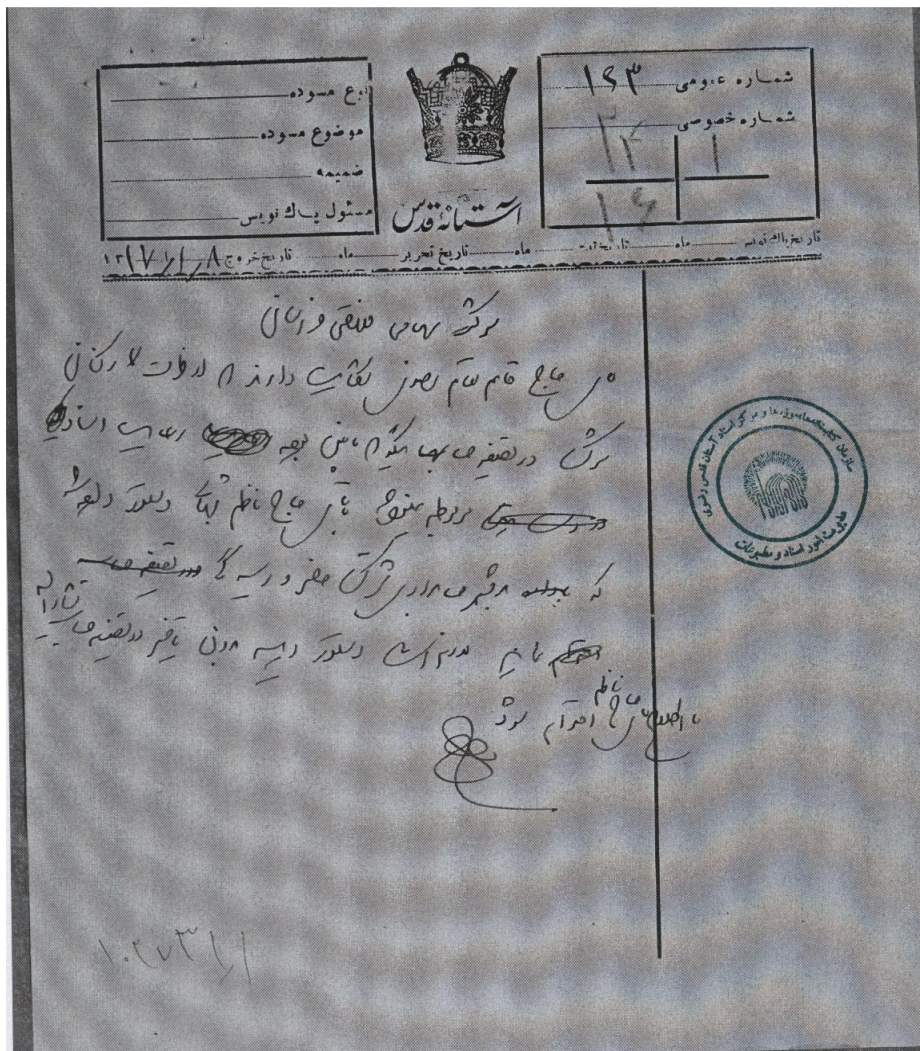


سند شماره: ۱۰۰۰۸۹/۶۲.

موضوع: عزل اسدی و انتصاب پاکروان به استانداری و تولیت آستان قدس.

منبع: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس.

شکل شماره ۱



سند شماره: ۱۰۲۷۳۱/۱.

موضوع: شکایت حاج مقام رضوی در مورد املاک وقفی.
منبع: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس.

شکل شماره ۲

یکشنبه دوم اردیبهشت ماه
۱۳۵۸ - شماره ۵۸

استمداد اداسرای انقلابی

برای دستگیری مجیدی، ولیان نپاوندی و محوری

در خانه رهبران مخالف و مبارز آزادی می کرد. از جمله در خانه مهندس مری بازرگان، دکتر کاظم ساسی و مهندس مقدم مراغه ای و هدایت الله مبین فخری، عبدالکریم لاهیجی و منوچهر مسعودی، علی اسفند حاج سید جوادی، و گروهی دیگر. وی همچنین با سیح عدوی کماندو و به هر حال جامعه مستشاری یا اجتماعی علیه رژیم شاه سابق بود، با جوب و حماقت و جاقوت، نفوذ می کردند و با ایراد ضرب به جوانان و احزابی در این قبیل اجتماعات، جلسات آنان را بهم می زدند. که در این قبیل ماجراها، دارپوش فروهر، خسی و در بیمارستان بستری شد و در خانه ها نقل استناد داشتند و نعمت میرزا زاده شاهی میاژ خراسانی در کجای پس کویچه های خیابان آبان تهران در حضور عوامل وی فرار گرفتند و مجروح شدند. و به بیمارستان انتقال یافتند.

● عبدالله ملیم ولیان، مهندس ایجاد تنگی مشور ارطیب و تهدید مردم، خراب کردن مدرسه ها و خانه های مردم، با تشویق به اغفال مساجیان آنها به پیوسته برتری جسمی شدید و این سوءاستفاده های کلانیه از محل بیت المال در مقام وزارت و برداشت های غیره. سوانی از وی، موفوفان رفوکی و بی سیرت از صندوق آمانات آستان قدسی و تحریک و ایجاد بدو در آشوب مشور به گفته دشمن افراد در مناطق مختلف کشور و از جمله در کبک کادوس.

● دکتر هوشنگ نپاوندی مهندس است به مشور دانشجویان میاژز به مقامات امنیتی و سوانک در تهران و پروتکت سازی برای دانشجویان ایجاد وحشت و اشتباه در مقامه دانشجویی و طراحی برنامه های در مقام رهبری و ریاست گروه به اصطلاح آندوستان ایران در برای برسی مسائل ایران در ژنو انقلاب شاه و ملت که ترات و افکار عمومی ایران را از آنچه که باید بداند بر داشته می شد و مشور با دانشجو به مسایلی که دستگاه پلازوی می خواست و متوجه ساختن تا نگاهها از جنایات و خیانت رژیم برداشته شود و در سطح ماجراها جریان یابد.

بعضی از صفحه اول زندانیان سیاسی که در زندان قهر می بیند، کنیید شده بودند و مردود دستور های مکرر برای شکنجه آنان، دستور دستور کتبی و شفاوی می دادند که از انجام فرایض در زندانیان مسلمان در زندان، دستور دستور جهت آزار و شکنجه ملاقات کنندگان زندانیان، بویژه خانواده های آنان، و بر خلاف قانون واسول انسانی و شرعی وین می کرد در کشتار عراق که ۷ تن از آنان علیه سازمان چریکهای فدایی خلق، و در زندان دیگر، عضو سازمان چریکهای فدایی خلق بودند. ● عبدالله مجیدی که یکی از سرسپردگان رژیم پهلوی و نوکر شاه سابق بوده است، در مقامات عالی و در مقام وزارت کار و ریاست سازمان برنامه و بودجه، عبدالله مجیدی، در سال گذشته، برای میاژز با انقلابیون و رهبران نبضت مردمی ایران، گروههای تخریب و به کشتن سوانک در جناح مشور و در جمله بر تا آخر تشکر داده بود و به کمک این افراد و

اطلاعیه جمعیت حقوقدانان ایران

کمیته برگزاری سمینار حقوقدانان ملت از قانون اساسی، وابسته به جمعیت حقوقدانان ایران، فیروز اطلاعهای انتشار داد و طی آن از استقبال سازمانها و جمعیتهای مختلف در مورد سمینار این جمعیت، تشکر کرد و اعلام داشت سری جتوگیری از املاف اوامت مراجع کنندگان محترم و متذکر میگردد که سخنرانی انتخابی در سمینار میسر نیست. در این اطلاعیه که باامضای جمعیت حقوقدانان ایران رسیده، تاکید شده که دعوت صرفا از سازمانها و جمعیتهای مختلف عمل آمده که نمایندگان آنها باید با در دست داشتن معرفینامه از سازمان یا جمعیت خود، به دبیرخانه موقت سمینار مراجعه کنند.

انتخابات کانون مدد کاران اجتماعی ایران
کانون مددکاران اجتماعی جهت تجدید انتخابات از کیه
مستکاران دعوت مینماید کمتر ساعت ۱۶ روز یکشنبه ۱۶ اردیبهشت
در محل دانشکده خدمات اجتماعی حضور میفرمایند.
هیئت هدیره کانون

عوره رچییه
از طریق شام ۹۵۹۷۷
حاجی علی محمد باقر

اطلاعیه
از کلیه دانشجویان دانشکده کابل که در سبل گذشته بملت هیئت اخراج شده اند خواهشمند است جهت ثبت نام تا اول اردیبهشت ۵۸ سال تحصیلات خود را در دفتر آموزشی دانشکده کابل مراجعه نمایند. این تصمیم شامل آندسته از کسانی که بملت عدم رعایت شرایط کتبش دانشجو اخراج کرده اند نمیشود.

روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۸۳۶، دوم اردیبهشت ۱۳۵۸ ش.
موضوع: در خصوص سوء استفاده های ولیان از موقوفات،
منبع: سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس.

شکل شماره ۳

صفحه یکم از صفحه	خیاوی
شماره از	شماره ۲۴۲
۱ - ۳۴۲	۹ - تاریخ وقوع اخیراً
۲ - از ۳۵۶۹	۱۰ - تاریخ رسیدن خبر به منبع
۳ - شماره گزارش ۳۷۶۵/۱۱۲۵۰۲	۱۱ - تاریخ رسیدن خبر بر مبنای عملیات
۴ - تاریخ گزارش ۳۷۶۵/۲۹	محل ۲۲/۵/۲۵
۵ - بیوست	۱۲ - ملاحظات حفاظتی
۶ - گیرندگان خبر ۳۴۱ و ۳۴۸	سند شماره ۲۳۹

موضوع ورود آقای ولیان نیابت تولیت مظلوم بحرم مطهر در حال مستی

آقای عبد العظیم ولیان اخیراً در حالی که مست بوده و در هانش به شدت به سوی الکل میدارد است بحرم مطهر داخل شده و با وجود آن که قصد از این بردن بوی الکل را داشته که کلمه حاضرین و خدام داخل حرم مطهر متوجه شده و آقای ولیان خود را از نزد يك اشخاص حاضر کار کشیده است خدمت متوجه وضع و حرکت وی شده بانا راحتی و صبهانیت بیگ بر ملامت داده و با خشم او را نگاه میکردند. نظریه شنبه - خدام در نظر دارند چنانچه این عمل آقای ولیان تکرار شود در رتکرانخانه متحصن شوند.

نظریه چهارشنبه - انتشار این خبر موجب صبهانیت و ناراحتی شدید مردم بخصوص متعصبین مذ هین و روحانیون خواهد شد و از طرفی با توجه بحضور ابرج ثابت پاسا در شبها روئوس چند روز قبل شایعه بهائیگری ولیان را نیز تقویت مینماید.

نظریه جمعه - نظریه چهارشنبه مورد تأیید است.

روزنامه: روزنامه پهلوی
تاریخ: ۱۳۰۶
شماره: ۵۱۶۶

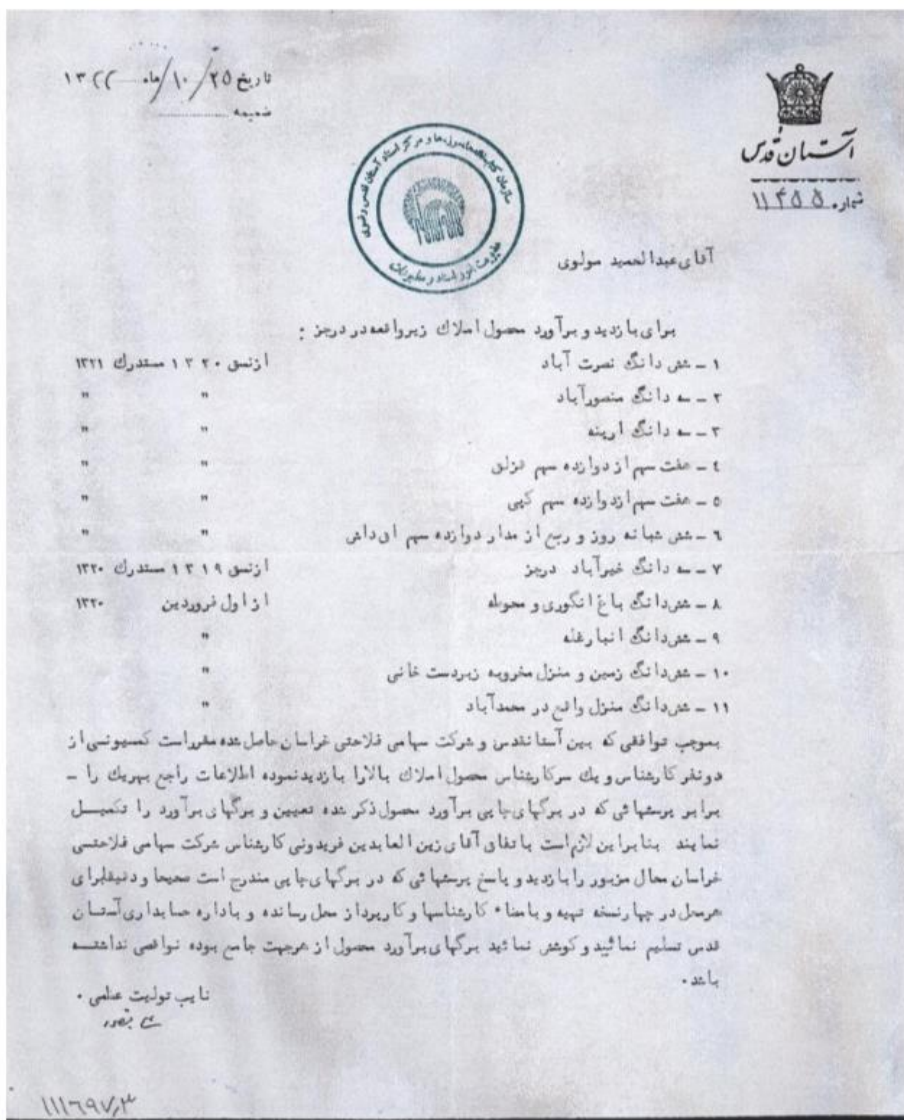
سند شماره: ۲۳۹.

موضوع: ورود عبدالعظیم ولیان نیابت تولیت آستان قدس رضوی در حال مستی به حرم امام

رضا (ع)؛ در زمان پهلوی دوم.

منبع: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

شکل شماره ۴

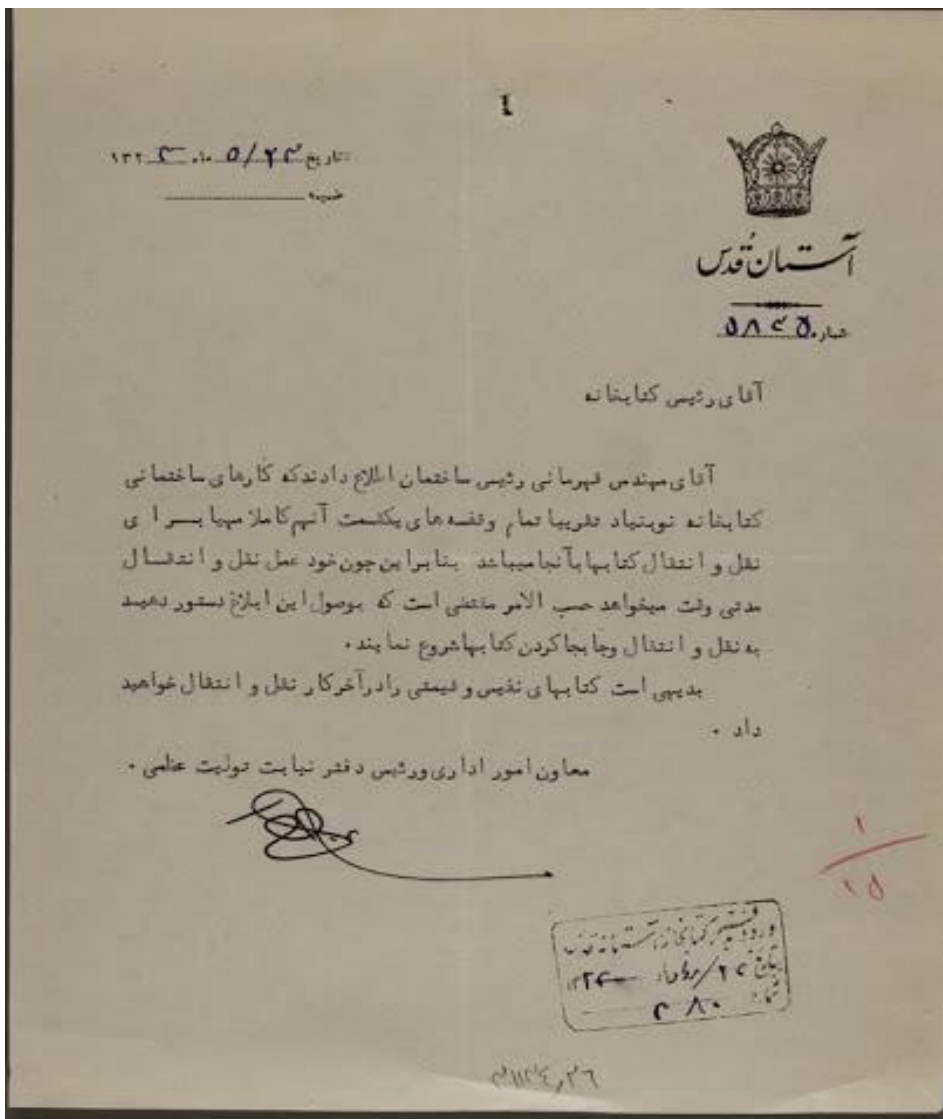


سند شماره: ۱۱۱۶۹۷/۳.

موضوع: بازدید عبدالحمید مولوی از املاک که قرار بود به شرکت فلاحی خراسان اجاره داده شود.

منبع: کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

شکل شماره ۵

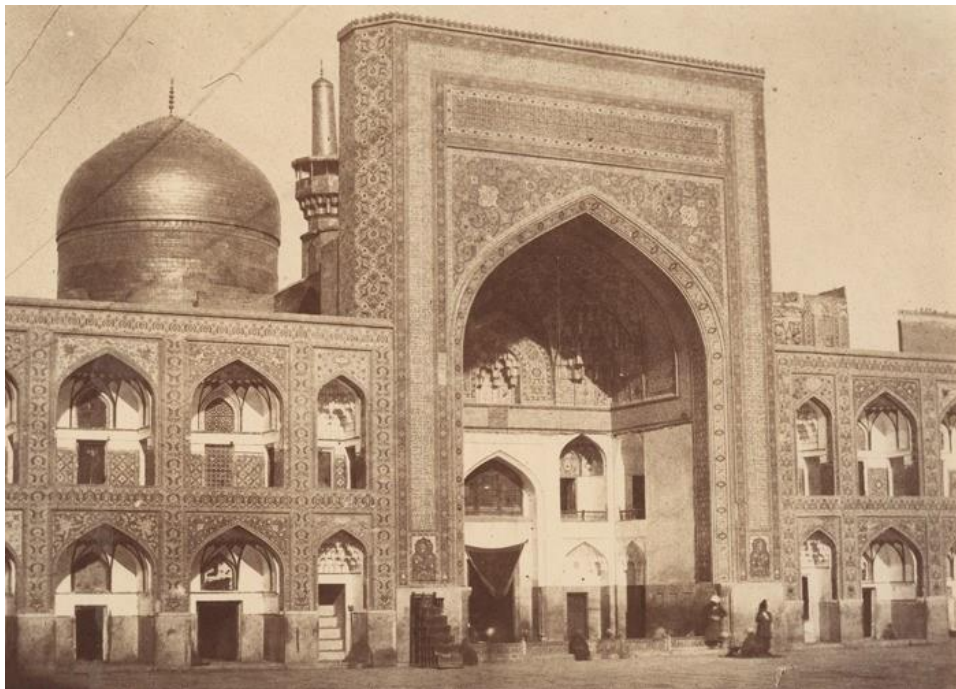


سند شماره: ۳۱۱۳۴/۲۶.

موضوع: انتقال کتابها به کتابخانه نوینیاد.

منبع: کتابخانهها، موزهها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

شکل شماره ۶



آستان قدس رضوی در دوره پهلوی اول.
منبع: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
شکل شماره ۷